

تلاش برای تقویت روحیه

ارتش صدام پس از مقاومت اولیه در عملیات فتح‌المبین به یک‌باره از هم پاشید و ایرانی‌ها به سرعت مناطق بسیاری را آزاد کردند. پیش از عملیات بیت‌المقدس یکی از محورهای تلاش فرماندهان و مقامات بعثی بازسازی روحیه‌ها بود. به عنوان نمونه در سندی به تاریخ ۲۷ فروردین رهنمودهایی از این دست برای نیروهای عراقی صادر شده است: «هر فرد نظامی تا حد معینی توان پایداری و مقاومت دارد، تا این‌که به حالت خستگی روحی می‌رسد و اصولاً مقاومت و پایداری، مسئله‌ای است که با ساختار شخصیت رزمنده، ارتباط مستقیم دارد.»

«رسیدن نظامیان به حالت ناامیدی مقطعی، نتیجه‌ی تأثیر بر سلول‌های مغز و بیشتر نتیجه‌ی خستگی و ترس است.» «آتش توپ‌خانه و بمباران موشکی مواضع دشمن، از قبیل آتش‌افزایی، بمباران متقابل و آتش تهیه‌ای که قبل از تک‌صورت می‌گیرد باید رعایت شود. علاوه بر این انجام مأموریت‌های شکست، خنثی‌سازی و انهدام، به منظور تضعیف روحیه‌ی دشمن و خسته کردن آن‌ها، لازم می‌باشد. همچنان‌که باید رابطه‌ای قوی بین موقعیت‌های انجام جنگ روانی علیه دشمن و حالت‌های روحی ایجاد گردد.»

صدام که به هیچ‌وجه علاقه نداشت خرمشهر را هم از دست بدهد، خودش نیز برای کمک به روحیه‌ی نیروهای نظامی دست به کار شده بود. در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۶۱ نامه‌ی «فرمایشات رئیس و فرماندهی کل نیروهای مسلح» به نیروهای عراقی ابلاغ شد و جالب این‌که در سخنان صدام به جزییات نظامی پرداخته شده است. توصیه‌ی اول صدام حفظ انضباط بود: «ضمن حفظ انضباط نظامی، رفتار انسانی بین فرماندهان و نیروهای تحت امر خود در تمامی رده‌ها، هرچه بیشتر افزوده گردد؛ هرچند، وقتی که یک نظامی یک فرد منضبط و با اخلاق شد، این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود و فرماندهان باید آن را به خوبی نشان دهند.» و بندهای بعدی توصیه‌ی

⊗ رزمنده‌ی ایرانی در عملیات بیت‌المقدس. لس‌آنجلس تایمز علاوه بر اشاره به هماهنگی ارتش و سپاه به شهادت‌طلبی نیروهای ایرانی هم اشاره کرده بود.

خارج از مرز

از اصلی‌ترین عوامل پیروزی ایران در نبرد خرمشهر، روحیه‌ی بالای نیروهای ایرانی بود که با باورهای مذهبی تقویت می‌شد. ایرانی‌ها از خاکشان دفاع می‌کردند که در اسلام عملی مقدس است. ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۱ لس‌آنجلس تایمز در گزارشی نوشته بود که اختلافاتی میان ارتش و سپاه وجود دارد اما در عملیات‌های اخیر، هماهنگی‌ها بیشتر شده است. گزارشگر همچنین به باورهای دینی رزمندگان پرداخته و به نقل از فرماندهی ایرانی گفته بود بسیاری از نیروهای سپاه تکه کاغذی همراهشان داشتند که توسط روحانی‌شان امضا شده بود. آن تکه کاغذ شفاعت‌نامه‌ای برای ورودشان به بهشت بود؛ چنانچه «در مبارزه برای [دفاع از] انقلاب کشته شوند.»

نظامی بود؛ «می‌بایستی بر موارد ذیل تأکید شود: ماندن فرمانده در قرارگاه جهت شناختن موقعیت کامل خود در مواقعی که اتخاذ تصمیمات سریع ضرورت دارد، از اهمیت خاصی برخوردار است، و همان طوری که از قرارگاه بازدید می‌کند، ارتباط با یگان‌ها و کنترل کارهایی که به او برمی‌گردد در آن لحظه‌های سرنوشت‌ساز جهت نیل به هدف، می‌بایستی سریع انجام شود.

- لشکرها و تیپ‌ها می‌بایستی قرارگاه تاکتیکی داشته باشند، و قرارگاه اصلی، مناسب با موقعیت بند ۱ باشد. خواهشمند است نسبت به موضوع فوق دقت شود و کارها را جهت دستورات آماده کنید تا به یک دستور کار ثابت و جزوه بیانجامد و همین‌طور باید جای مناسب و مجهز و دارای نیروی حفاظتی جهت حفاظت از هرگونه تعرض از سوی دشمن، تهیه و تدارک دیده شود...

- حفاظت خوب از قرارگاه، امری حیاتی است که باید کلیه‌ی نقل و انتقالات از لحاظ امنیتی و حفاظتی به صورت نامعلوم و پوششی انجام شود. قرارگاه‌ها را در یک مکان ثابت قرار ندهید، تغییر مکان قرارگاه‌ها همانند تغییر مکان گردان‌ها باشد. هیچ نیرویی در یک جا ثابت نباشد، باید بر فعالیت‌های تعرضی شبانه مسلط شوید؛

به ویژه استفاده از نیروهای کمین و گشتی، از تحقق اهداف نیروهای دشمن برای انهدام قرارگاه‌ها جلوگیری می‌کند.» در ادامه توصیه‌های بسیار جزئی‌تری هم وجود داشت؛ «در میداین نبرد باید هلی‌کوپترهای جنگی، از لحاظ استفاده از منور تأمین گردند. منور وقتی مفید واقع می‌شود که در حین تک‌های شبانه‌ی دشمن، از آن استفاده شود.

